



انترناسیونال

۱۷۲ ضمیمه

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

دوشنبه، ۱۱ دی ۱۳۸۵، ۱ ژانویه ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی

و من عمیقاً معتقدم اگر چنین میشود، اگر رفاقتاً فرصت میدادند تنها در مدت زمان کوتاهی بیانه و پلاتفرمشان از جانب رهبری و کادرهای حزب مورد بحث و نقد و بررسی قرار بگیرد، خود از تشکیل فراکسیون منصرف میشدند.

پلاتفرم فراکسیون: بازگشت به کلیات

همانطور که اشاره کردم بخش اعظم مفاد پلاتفرمی که تحت نام "بسوی حزب رهبر انقلاب" و "برای رهبری حزب کمونیست کارگری" اعلام کرده اند قبلاً در شکل مشخص تر و دقیق تری در اسناد حزبی از جمله پلاتفرم رهبری حزب مصوب پلنوم بیستم مطرح شده است. نکاتی نظیر "تقویت و تحکیم وحدت و انسجام سیاسی و سازمانی رهبری حزب" - که البته تشکیل فراکسیون آخرین کاری است که میشود در این جهت کرد! - و یا "تحکیم شالوده کادری قوی ..."، "مدرنیزه کردن ساختارها ..."، "حل ماکرو

صفحه ۲

برخورد حزب به کیس نوید بشارت- اسماعیل مولودی رفقای تشکیل دهنده فراکسیون اعلام کردند در این مجادله شرکت نمیکنند و بعد هم بسیار با عجله و تنها یک هفته بعد از مطلع کردن رهبری فراکسیون خود را علناً اعلام کردند. منظور من بهیچوجه این نیست که این اختلافات واقعی تشکیل فراکسیون را توجیه میکرد بلکه میخواهم این نکته روشن شود که فراکسیون در ادامه مسائل و اختلاف نظراتی بجز آنچه خود اعلام کرده تشکیل میشود و آنچه درباره خود میگوید تصویر درستی از این اختلاف نظرات واقعی بدست نمیدهد. نه بحثی حول مضمون پلاتفرم رفاقت در جریان بوده و نه کسی بحث و تحلیلی از جانب این رفاقت در مورد وجود رخوت و رکود ادعایشان و راههای غلبه بر آن شنیده است. در احزاب جدی سیاسی معمولاً فراکسیونها حاصل یک دوره بحث و پلیمیک درون حزبی بر سر مسائل مورد اختلاف و قطبی شدن و به نتیجه نرسیدن این مباحث بعد از دوره معینی هستند. این پروسه در شکل گیری فراکسیون رفاقتی نشد



حمید تقوایی

بعنوان راه حل مسائل امروز حزب روی میز گذاشت. بالاخره باید به این نکته هم اشاره کنم که با رفقای تشکیل دهنده فراکسیون مدتهاست بر سر مسائل مختلفی اختلاف نظر هست اما در بیانه و پلاتفرم فراکسیون اشاره ای به آنها نشده است. یکی از مهمترین و حاد ترین این مسائل همانطور که در اطلاعیه حزب در مورد فراکسیون گفته شده، مساله فعالیتهای شبه پلیسی و ضد کمونیستی نوید بشارت- اسماعیل مولودی بود و فراکسیون بطور واقعی و مستقل از هر تصویری که تشکیل دهندگان آن از خود داشته باشند و یا بخواهند بدست بدهند، در ادامه این اختلاف نظر حاد تشکیل میشود. در اوج بحث مربوط به سیاست و شیوه

در نقد فراکسیون

شده است. پلاتفرم فراکسیون از لحاظ سیاسی از این اسناد عقب تر و از لحاظ عملی محدودتر و کلی تر است. در هر حال نکته تازه و متفاوتی در این پلاتفرم نیست. البته برخی احکام و فرمولبندیهای نادقیق و اشتباه در آن وجود دارد اما در کلیت خود حرف تازه و متفاوتی که بتواند توجیه کننده تشکیل فراکسیونی در حزب باشد را مطرح نمیکند. جالب اینجاست که رفاقت در بیانه هدف فراکسیون را تبدیل پلاتفرم خود به پلاتفرم رهبری حزب اعلام کرده اند! یعنی میخواهند رونوشت ناقصی از پلاتفرم موجود و مصوب رهبری حزب را به پلاتفرم رهبری تبدیل کنند! چنین فراکسیونی را نمیتوان جدی گرفت. ممکن است گفته شود علت وجودی فراکسیون اختلاف بر سر پلاتفرم رهبری نیست بلکه اختلاف در شیوه عملکرد و پیاده کردن سیاستهای حزب است. در بیانه فراکسیون ادعا شده حزب علیرغم تلاشهای رفاقتی دچار "رخوت و رکود" شده است و بنابراین ممکن است گفته شود فراکسیون برای غلبه بر این رخوت و رکود تشکیل شده. این "رخوت و رکود" مورد ادعای رفاقت را پائین تر بررسی میکنیم اما ابتدا باید این نکته روشن باشد که حتی اگر این صورت مساله را بپذیریم باز معلوم نیست چرا باید بعنوان راه حل به چنین پلاتفرمی متوسل شد. این پلاتفرم راه حلی برای هیچ مساله ای نیست. سندی که از مصوبات کنگره های ۴ و ۵ و از واقعیت اجتماعی امروز حزب عقب تر است را نمیتوان

پنج عضو دفتر سیاسی حزب هفته گذشته تشکیل فراکسیونی تحت نام "اتحاد کمونیسم کارگری" را اعلام کردند و حزب نیز در اطلاعیه کوتاهی نظر خود را در این مورد منتشر کرد. هدف من در این نوشته نقد و بررسی بیانیته و پلاتفرم فراکسیون است. من ابتدا رئوس نقد را مطرح میکنم و بعد جنبه های مختلف آنرا مشروح تر توضیح میدهم.

فراکسیون در یک ارزیابی کلی

فراکسیون اعلام شده بنا بر آنچه درباره خود میگوید و تعریفی که از خود بدست میدهد علت وجودی ندارد. رفاقت در بیانه شان اعلام کرده اند هیچ اختلاف سیاسی اصولی برنامه ای و استراتژیک با حزب ندارند و به کلیه قطعنامه های مصوب حزب نیز پایبند هستند. یعنی در واقع این فراکسیون ویژگی و هویت سیاسی ای جدا از بقیه حزب ندارد. پلاتفرم اعلام شده فراکسیون نیز دقیقاً همین بی هویتی را تایید میکند. مضمون این پلاتفرم تماماً در اسناد و قطعنامه های حزبی به نحو دقیقتر و مشخص تر و جامع تری تصویب شده است. مشخصاً در پلاتفرم رهبری حزب مصوب پلنوم بیستم بخش اعظم مفاد پلاتفرمی که رفاقت با امضای فراکسیون منتشر کرده اند مطرح شده و در قطعنامه "مبانی استراتژی و رئوس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی" وظایف حزب در سطح جامع تر و دقیقتری بیان

در صفحات دیگر

- صفحه ۴ قطعنامه در باره حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران (مصوب کنگره چهار)
- صفحه ۵ مبانی استراتژی و رئوس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی (مصوب کنگره کنگره پنج)
- صفحه ۶ بیانیته تشکیل "فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری"
- صفحه ۷ بسوی حزب رهبر انقلاب، اولویتها و جهت گیریهای عمومی
- صفحه ۸ اطلاعیه حزب در باره تشکیل فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری"
- صفحه ۸ اولویتها و جهت گیریها، پلاتفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران-حمید تقوایی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ در نقد فراکسیون

معضلات مالی... و کلا اکثر قریب باتفاق بندهائی که تحت عنوان "موقعیت عمومی" و "حزب در داخل کشور" و "حزب در خارج کشور" در پلاتفرم ذکر شده جزو دانسته ها و مصوبات تا کنونی حزب است. حزب مدت‌هاست از این اصول کلی فراتر رفته و نقشه عملها و پلاتفرمهای کنکرت و مشخص تری در همه این زمینه ها تصویب کرده و در دستور قرار داده است. کسی که میخواهد حزب را بجلو برد باید از این نقشه عملها فراتر برود. بازگشت به کلیات مورد توافق مساله ای را حل نمیکند.

نکته مهم تر اما عقب بودن پلاتفرم و بیانیه از تحلیلها و قطعنامه های سیاسی مصوب حزب است. رفقا مدعی هستند برای تبدیل حزب به نیروی رهبری کننده و سازمانده انقلاب فراکسیون تشکیل داده اند اما هیچ رد پا و اثری از آخرین مصوبات و اسناد پایه ای حزب که دقیقا به امر رهبری و سازماندهی انقلاب پرداخته است در اسناد اعلام موجودیت فراکسیون به چشم نمیخورد. در قطعنامه "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" مصوب کنگره چهارم نظرات و تزه های پایه ای در رابطه با شکلگیری انقلاب در ایران، صف بندی جنبشها و نیروهای سیاسی بر مبنای مواضعشان در قبال خواستها و اعتراضات رادیکال مردم و جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی، و نقش و مبنای وظایف حزب در قبال انقلابی که شکل میگیرد به دقت و روشنی مطرح شده است. در ادامه این خط و مبتنی بر این تزه قطعنامه "مبنای استراتژی و رئوس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی"، که به اتفاق آرا در کنگره پنجم به تصویب رسید، بطور مشخص و جامع تری رئوس وظایف حزب برای رهبری و سازماندهی انقلاب را روشن کرده است. قطعنامه هائی در رابطه با "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" و "حزب و قدرت سیاسی بعد از جمهوری اسلامی" و "ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و فعالین چپ" جوانب دیگری از سیاست حزب برای سازماندهی انقلاب را مشخص میکنند. اینها آخرین نظرات و مواضع حزب در

رابطه با سازماندهی انقلاب است. نمیتوان این اسناد را نادیده گرفت، به دوره قبل از کنگره چهارم برگشت و مدعی راهشگائی و تعیین وظایف امروز حزب در امر رهبری و سازماندهی انقلاب بود. حزب را نمیتوان به عقب کشید.

در بیانیه فراکسیون گفته میشود در حال حاضر دو افق و آلترناتیو راست و چپ در برابر جامعه قرار دارد، یا اردوی چپ تحت رهبری حزب پیروز میشود و یا نیروهای راست جامعه را به نابودی میکشند. این حکم غلط نیست اما بیش از حد کلی و عمومی است، از شرایط حاضر عقب است، و در نتیجه به وظیفه عملی مشخصی منجر نمیشود. در چند سال اخیر تحولات زیادی در تغییر توازن قوا به نفع چپ و به ضرر راست صورت گرفته است. جنبش سرنگونی به چپ چرخیده و نیروهای راست منزوی تر و حاشیه ای تر شده اند. و این روند بطور پیوسته ای ادامه داشته است. صف بندی بین اردوی انقلاب و ضد انقلاب، بین جمهوری اسلامی و دولتهای غربی و نیروهای اپوزیسیون راست، نیروهای هراسان از انقلاب، از یکسو و کارگران و مردم سرنگونی طلب و نیروهای چپ و طرفدار انقلاب و در رأس آنها حزب از سوی دیگر، یک واقعیت سیاسی جامعه امروز ایران است و این واقعیتی است که در قطعنامه کنگره چهارم مورد تاکید قرار گرفت. و بر همین اساس است که حزب جنبش سرنگونی را یک جنبش چپ و انقلابی ارزیابی میکنند و سیاستهای را بر این مبنا قرار داده است. این تحلیل و ارزیابی از وضعیت سیاسی در ایران ویژگی و نقطه تمایز و قوت حزب ما است. میتوان جدال عمومی بین دو اردوی چپ و راست را پذیرفت و مثل دوستان منشعب ما به این نتیجه رسید که راست دست بالا را دارد. و تماما سیاستهای عملی متفاوتی را در پیش گرفت. امروز اکتفا کردن به اعلام وجود دو اردوگاه راست و چپ، آن هم در سندی که مدعی تامین رهبری و سازماندهی انقلاب است، عقب ماندن از شرایط و ندیدن یک ویژگی اصلی و تعیین کننده در شرایط سیاسی حاضر در ایران است. این نوع کلی گویی و عقب ماندن از شرایط روز در سطح دیگری نیز در

بیانیه خود را نشان میدهد. در نحوه ای که رفقا به منصور حکمت رجوع میکنند.

رفقا میگویند حزب باید به حزب رهبر و سازمانده انقلاب تبدیل شود و اعلام میکنند که "ما میخواهیم که رهبری حزب بر اساس تزه های "حزب و قدرت سیاسی"، "حزب و جامعه"، "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" و مباحث "سلبی - اثباتی" منصور حکمت استراتژی، اولویتها، سیاستها و مشغله های خود را تنظیم کند". رفقای عزیز! حزب دقیقا همین کار را کرده است و قطعنامه ها کنگره چهارم و پنج که در لیست شما از قلم افتاده دقیقا بر مبنای همین نظرات منصور حکمت تنظیم شده است. اولین انتظار از هر کس که خود به همه این اسناد رای داده و اعلام میکند همه مصوبات حزب را قبول دارد اینست که از آخرین مصوبات شروع کند. نوشته ها و نظرات منصور حکمت مبنای استراتژی حزب و اساس همه قطعنامه ها و مصوبات حزب است. اما منصور حکمت را باید در شرایط مشخص امروز معنی کرد چنانچه اگر خودش زنده بود مسلما اسناد و مصوبات متعدد دیگری را به لیست مورد اشاره رفقا افزوده بود. منصور حکمت متاسفانه دیگر در میان ما نیست اما حزب منصور حکمت اگر بخواهد زنده و فعال باقی بماند نمیتواند در دوران منصور حکمت درجا بزند و خودش را به آنچه منصور حکمت گفت و نوشت محدود کند. "استراتژی، اولویتها، سیاستها و مشغله های" حزب بر مبنای نظرات منصور حکمت تنظیم و تدوین شده و در دستور قرار گرفته است و شاهد این مدعا مجموعه مصوبات کنگره ها و پلنومها و دفتر سیاسی حزب و فعالیتها و پیشرفتهای اجتماعی حزب در چهار سال اخیر است. پیشرویه های دوران اخیر حزب با اتکا به این اسناد و مصوبات صورت گرفته است. هیچکس به این پیشرویه ها قانع نیست، باید از دستاوردهای تا کنونی بسیار بیشتر و فراتر رفت. اما راه این پیشروی فراتر رفتن از آخرین مصوبات و نقشه عملهای حزبی است و نه بازگشت به چهار سال قبل.

"رکود و رخوت": تصویری وارونه از حزب

در مقدمه اشاره کردم که میتوان

گفت وجه تمایز و علت وجودی فراکسیون اختلاف بر سر پلاتفرم رهبری نیست بلکه نقدی است که بر عملکرد حزب دارد. در این صورت البته میباید فراکسیون یک نقشه عمل متفاوت و جدیدی را در برابر حزب قرار میداد و نه نسخه کلی و ناقصی از پلاتفرم موجود رهبری حزب را. فراکسیونی که مدعی از بین بردن فاصله حرف و عمل است قاعداً باید بجای تکرار الکن همان "حرف ها"، پلاتفرمی برای "عمل" متفاوت مطرح کند. فراکسیون چنین نکرده است اما در بیانیه خود به رخوت و رکود حزب، دنباله روی از حوادث، فقدان تلاشهای نقشه مند و احکامی از این دست اشاره کرده است که ربطی به مضمون پلاتفرم ندارد، و در واقع نشان میدهد که رفقا با عملکرد حزب مشکل دارند بی آنکه راه حل مشخصی برای آن ارائه بدهند.

اما گذشته از این تناقض لازم است نفس این ادعاها در مورد عملکرد حزب را نیز مورد بررسی قرار بدهیم. کسی که در جامعه تحولات سیاسی و فعالیتهای حزب را دنبال کرده باشد نمیتواند از شنیدن اینکه حزب کمونیست کارگری دچار رخوت و رکود شده و دنباله رو حوادث است و بی نقشه عمل میکند و احکامی از این قبیل شگفت زده نشود. رهبران مبارزه کارگران شرکت واحد، کارگران پنج مرکز تولیدی که در سفر احمدی نژاد متحذانه دست به تجمع اعتراضی زدند، سازماندهندگان روز جهانی کودک و شانزده آذر سرخ، حاجیه اسماعیلوندا و افسانه نوروزی ها و کبری رحمانپور ها، صدها پناهنده ای که فدراسیون پناهندگی نقطه امید و اتکای آنهاست و از جمله دویست آواره ای که همین امروز در کمپ تیپف در مرز عراق و اردن در منگنه آمریکا و مجاهدین و جمهوری اسلامی گرفتار شده اند و از فدراسیون کمک خواسته اند، اینها نمیتوانند بفهمند صحبت از کدام کرختی و رکود و دنباله روی در میان است! جامعه این تصویر را از حزب ندارد و آنرا نمیپذیرد. حتی کارگزاران حکومت و زانده های نوع دو خردادیش که در مورد شیخ لنین در میان جوانان به یکدیگر هشدار میدهند این ارزیابی از حزب را نمیتوانند قبول کنند گرچه در تبلیغاتشان چنین بگویند و آرزو

کنند چنین باشد. مشکل حزب نفوذ و حضور آن در جامعه نیست. این نقطه قدرت حزب است. ابتکار عمل و پیشرو بودن در سازماندهی کمپینها و پروژه های اجتماعی، از کودکان مقدمند تا عرصه پناهندگی تا کمپین علیه اعدام و سنگسار و آپارتاید جنسی تا مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و تا سد کردن عرض ارتجاعی اسلام سیاسی در کشورهای غربی، و تا نمایندگی کردن مبارزات جاری کارگری در سطح جهانی و جلب همبستگی بین المللی برای این مبارزات، اینها همه جزء دستاوردها و پیشرویه های غیر قابل انکار حزب است.

حزب در نتیجه این نفوذ اجتماعی توانسته است در مبارزات جاری کارگری و در جنبش های دیگر در یک سطح معینی بعنوان یک نیروی دخالتگر و خط دهنده و هدایت کننده عمل کند. مشخصا در اعتراضات کارگری در کردستان، در جنبش دانشجویی، جنبش دفاع از حقوق کودک و مبارزه علیه سنگسار و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تاثیر عملی فعالیتهای حزب کاملاً قابل مشاهده است.

حتما باید از این سطح بسیار پیشتر رفت اما نقطه قوت حزب را نمیتوان نقطه ضعف قلمداد کرد. "رخوت و رکود" تبیین و ارزیابی بی پایه و وارونه ای از نقطه ضعف حزب است. این را حتی اگر همه رهبری حزب بپذیرد جامعه نمی پذیرد. اگر رخوت و رکود نخواهد يك نقد اخلاقی و شخصی باشد - که در این صورت نازل و سطحی و بی ارزش تر از آنست که حتی جوابی بطلد- باید ناگزیر ریشه آنرا در استراتژی و تحلیلها و سیاستهای حزب جستجو نمود. که فکر نمیکنم نه خود این رفقا و نه هیچکس دیگری بتواند چنین ادعائی داشته باشد.

نقطه ضعف حزب همانطور که در اسناد حزبی بارها مورد تاکید قرار گرفته فاصله بین موقعیت و نفوذ اجتماعی حزب و ابعاد سازمانی آنست. و این مستقیماً به عرصه فعالیت و دخالتگری مستقیم حزب در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی مربوط میشود. بعبارت دیگر بحث بر سر انجام وظایفی است که در قطعنامه "مبنای استراتژی و رئوس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی" تحت

از صفحه ۲

در نقد فراکسیون

عنوان "رهبری محلی مبارزات" مفصلاً توضیح داده شده است. نقطه ضعف حزب ایفای نقش در سازماندهی و رهبری عملی مبارزات کارگری و دیگر اقشار مردم است و گرچه در یکساله اخیر و مشخصاً بعد از اعتصاب کارگران شرکت واحد حزب پیشرویهائی در این زمینه داشته اما همچنان در مقایسه با ابعاد نفوذ و موقعیت اجتماعی حزب این درجه از تاثیر گذاری و سازماندهی مبارزات بسیار ناچیز و کمتر از آن سطحی است که حزب بالقوه قادر به انجام آنست. انعکاس این ضعف را ما در ابعاد تشکیلاتی و در درجه رشد خود حزب و تامین امکانات مادی برای حزب و در دیگر ابعاد تشکیلاتی و عملی مشاهده میکنیم. رخوت و رکود و یا فاصله حرف و عمل تبیین درستی از این مشکل نیست. رفقا در پانویس پلاتفرمشان به این مساله اشاره میکنند و آنرا ناشی از فاصله حرف و عمل میدانند. اما نه نفوذ و موقعیت اجتماعی حزب فقط در اثر حرف بوجود آمده است و نه نقطه ضعف حزب در عرصه مبارزات جاری و سازماندهی این مبارزات ناشی از بی عملی است. مساله تبدیل نفوذ اجتماعی حزب به یک واقعیت مادی تشکیلاتی - عملی است. واقعیتی که باید مشخصاً خود را در سازمان یابی رهبران و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی در حزب و حول سیاستهای حزب، رشد کمی اعضا و سازمان حزب، و تامین امکانات مادی هر چه بیشتر برای رشد فعالیتهای حزبی در ایران و در خارج کشور نشان بدهد. رهبری باید به این مشکل که با گسترش نفوذ و اعتبار اجتماعی حزب، بیشتر خود را نشان میدهد، پاسخ بدهد و این پاسخ هر چه باشد مسلماً تشکیل فراکسیون حول "رکود و رخوت" جواب مساله نیست.

نکته آخر اینکه رفقا مدعی اند حزب "علیرغم تلاش" این رفقا دچار رخوت و رکود شده است! این صرفاً یک ادعا است! کسی نه در صفوف حزب و نه در جامعه شاهد مجاهدتهای ویژه ای از جانب این پنج نفر رفیق برای غلبه بر رخوت و رکود نبوده است! رفقا با این ادعا دارند حساب خود را از بقیه جدا میکنند،

خودشان به فراکسیون بپردازند و این ظاهراً تمام آن مجاهدتی است که قرار است بر رخوت و رکود حزب غلبه کند! نسخه ناقصی از پلاتفرم رهبری بعلاوه نسخه ناقص تری از فعالیتهای جاری حزب! ممکن است رفقا ما را روشن کنند که چطور قرار است با چنین فراکسیونی به حزب رهبر و سازمانده انقلاب تبدیل بشویم؟! این پروژه هائی که رفقا میخواهند به فراکسیون خود مصادره کنند نه جزء فعال ترین پروژه ها بوده است - البته علیرغم تلاشهای رفقا که خود در راس این پروژه ها قرار داشته اند - و نه اصولاً نقطه ضعف حزب در پیشبرد پروژه ها و کمپینهای از این نوع است. قرار بود در مورد سازماندهی و رهبری انقلاب راه عملی در برابر حزب گذاشته شود اما در عوض مجموعه ای از چند پروژه جانبی حزب بعلاوه چند نشریه جدید را روی میز میگذارند و آنوقت انتظار هم دارند که کسی فراکسیونشان را جدی بگیرد.

سئوال دیگر اینست که شان نزول نشریات چیست؟ مگر فراکسیون اختلاف نظر سیاسی و تئوریکی با حزب دارد؟ مگر هیچ یک از این رفقا مقاله سیاسی و یا تئوریکی برای نشریات موجود حزبی فرستاده اند و چاپ نشده که اکنون میخواهند نشریات ویژه خود را منتشر کنند؟ اگر اعلام میکنید با استراتژی و مصوبات حزبی اختلافی ندارید ضرورت انتشار این نشریات کدامست؟ تازه بر فرض وجود چنین اختلافاتی نیز جا برای انتشار نوشته رفقا در نشریات حزبی

باز است. این سنت و سیاست قدیمی ما است. ما ارگان رسمی حزبی نداریم و همه نوشته ها در نشریات حزب با امضا و مسئولیت نویسندگان آنها چاپ میشود. اگر اتحاد حزب برای شما مهم است و خود را فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری میدانید چرا علیرغم اینکه میگوئید اختلاف نظری با مصوبات حزبی ندارید حساب خود را از انتشارات حزبی جدا میکنید و میخواهید ادبیات فراکسیون خود را تولید کنید؟ این راهی به اتحاد و انسجام است و یا دوری و واگرایی؟ قرار است حزب با تعطیل کردن نشریات و سایتها و قبول نشریات و سایتهای فراکسیون شما متحد شود؟! آخر چه کسی این

خامی و خوشخیالی را از شما میپذیرد؟! این نسخه ای برای اتحاد نیست، این ایجاد حزب در حزب است.

اختلاف بر سر چیست؟

واقعیت آنست که فراکسیون در ادامه سلسله بحثها و اختلاف نظرانی با برخی از رفقای تشکیل دهنده اعلام موجودیت کرد. این بحثها حول پلاتفرم فراکسیون و یا رخوت و رکود و فاصله حرف و عمل نبود. نه در دفتر سیاسی و نه هیات دبیران و پلنومها و کنفرانسها هیچ بحث شفاهی و یا کتبی حول این مسائل شکل نگرفت. اما هر کس که بحثها و نوشته های حزب حتی همان حد که علناً منتشر شده را دنبال کرده باشد میداند در چند ماه اخیر در رابطه با جنگ لبنان، طرح آرایش رهبری حزب، و آخرین مورد که هنوز هم در حزب ادامه دارد اختلاف نظر بر سر مساله شبه پلیسی نوید بشارت - اسماعیل مولودی از جمله مهمترین مباحث در سطح رهبری حزب بوده است. بویژه در مورد این مساله آخر، مساله نوید بشارت - اسماعیل مولودی، بحث حادی در حزب در گرفت و پنج رفیق فراکسیون برای اولین بار در رابطه با این مساله نوشته درون حزبی مشترکی منتشر کردند. رفقا به این مساله از زاویه حقوق مدنی شهروندان، اصل بر ابراهت است، فرد حق دارد علیه خود شهادت ندهد و کلاً از یک موضع حقوقی برخورد میکنند. رفقا حتی خواهان این بودند که حزب از اسماعیل مولودی اعاده حیثیت کند و در جلسات حزبی که اسماعیل رسماً از همکاری برای روشن شدن مساله خودداری میکرد و اقدامات حزب برای روشن شدن این مساله را با عملیات ساواک مقایسه میکرد، او را به عرش اعلی بردند و بعنوان سمبل حزیت و اصولیت در برابر بقیه رهبری قرار دادند! بعد از آنکه استعفای اسماعیل و انتشار آن لجن نامه اش علیه حزب برای کسی در صحت و اصولیت برخورد قاطع اکثریت رهبری حزب تردیدی باقی نگذاشت رفقا اعلام کردند در این مجادله شرکت نمیکند و چند روز بعد با پرچم مقابله با رخوت و رکود و فاصله حرف و عمل فراکسیونشان را اعلام کردند. مساله اسماعیل مولودی هنوز مساله حزب است چون رفقای فراکسیون در رهبری حزب

برخورد سیاسی قاطعی با این مساله نداشتند. این اولین مورد از حملات شبه پلیسی به حزب نبود و مانند نمونه های سابق در جامعه راه بجائی نبرد و زمینه ای پیدا نکرد. اما متأسفانه در خود حزب آن برخورد یکپارچه و متحدی که همیشه در این موارد رهبری حزب از خود نشان میداد صورت نگرفت و علت هم موضع حقوقی - غیر سیاسی و غیر قاطع رفقای فراکسیون در قبال این مساله بود. فراکسیون از دل این مجادله سر بر آورد و اولین نامه مشترکشان را در رابطه با این مساله در حزب منتشر کرد. رفقای تشکیل دهنده آن هر تعریف و تصویری از خود داشته باشند بطور واقعی فراکسیون مهر این شرایط را بر خود دارد.

اما مستقل از مساله نوید بشارت و یک پایه و دلیل این برخورد حقوقی و غیرسیاسی به این مساله ناتوانی رفقا در تبدیل نظرات خود به نظر اکثریت است. بزیر سئوال رفتن حزیت و اصول حزبی تحت عنوان دفاع از فعالیتهای فردی و شخصیتها و علینیت همه از اینجا نشات میگیرد که رفقا در اقلیت هستند و بجای تلاش برای اقناع و تبدیل نظرات خود به نظر اکثریت، امری که تا امروز در کمیته مرکزی و در خود حزب از عهده آنان خارج بوده است، راه چاره را در این دیده اند که اصل تبعیت اقلیت از اکثریت را زیر سئوال ببرند و تحت عنوان مدرنیسم و آزادی تبلیغ نظرات شخصی و علینیت و اهمیت شخصیتها و ابتکارات فردی در حزب و غیره و غیره مجوزی برای تبلیغ و پراتیک نظرات خود پیدا کنند. موضع رفقا رسماً اینست که اگر نظرشان در ارگانهای رهبری رای نیابد باید مجاز باشند که بروند و نظر خودشان را تبلیغ و پراتیک کنند. حتی در بیانیه فراکسیونشان میگویند سعی خواهند کرد ابتدا مواضعشان را به موضع رهبری تبدیل کنند و اگر نتوانستند خودشان آنرا پراتیک خواهند کرد! یعنی تبعیت اقلیت از اکثریت را قبول ندارند و البته برای کسی که خودش در اقلیت است کاملاً صرف میکند که پرچم چنین تئوریهای انحلال طلبانه ای را بلند کند و تحت نام حزیت مدرن و غیرسنستی در برابر اکثریت حزب قرار بدهد. ظاهراً اکثریت چون اکثریت است زورگو و

قطعنامه درباره حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران مصوب کنگره چهار

بقدت انقلاب، خود را برای مقابله با هر نوع شرایطی که ممکن است با کودتا، برکناری جمهوری اسلامی و دیگر اشکال تغییر و تحول در قدرت سیاسی از بالا پیش بیاید آماده میکند. حزب از این شرایط نیز به نفع قدرت گیری مردم و پیشروی بیشتر مبارزه انقلابی آنان برای رسیدن به رهایی و سوسیالیسم استفاده خواهد کرد.

۱۲- حزب کمونیست کارگری ایران بموازات پیشرفت روند انقلاب و بمنظور جلو سوق دادن این روند در هر مقطع نقشه عملی و تاکتیکیهای عملی متناسب را برای سازمانداندن و متحد ساختن کارگران و اقشار مردم آزادیخواه در مبارزه علیه جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرار میدهد. متشکل کردن و متشکل نگاهداشتن مردم و تامین و تضمین اعمال اراده مستقیم آنان در دل شرایط تحولی که در پیش است، گسترش سازمان حزبی و ایجاد سازمانهای توده ای نظیر مجامع عمومی و شوراهای که تناسب قوا اجازه بدهد، و اتخاذ اشکال مبارزاتی و تاکتیکیهای مناسب نظیر بدست گرفتن کنترل محلات هرجا و هر زمان که ممکن باشد، و در هر شرایطی سازمانداندن تعرض بیشتر و گسترده تر مردم و به عقب راندن جمهوری اسلامی در تمام عرصه ها مبنای مشترک این نقشه عملیها خواهد بود.

کنگره چهارم، کمیته مرکزی حزب را موظف می کند که تدوین و تصویب این نقشه عملیها و تاکتیکیهای عملی را بر اساس تناسب قوای مشخص در هر مقطع در دستور کار خود قرار دهد و ارگانها و کمیته های حزبی را برای اتخاذ عملی و پیشبرد این وظایف آماده و بسیج نماید.

۱۳- انقلاب آتی ایران تنها با استقرار جمهوری سوسیالیستی، تنها نظامی که میتواند آزادی و برابری رفاه را متحقق کند، به پیروزی خواهد رسید. طبقه کارگر ستون فقرات و محور این انقلاب است. حزب کمونیست کارگری با بسیج و بمیدان آوردن بخش هر چه وسیعتری از کارگران و توده مردمی که از نظام موجود به ستوه آمده اند، حول پرچم سوسیالیسم، این پیروزی را تضمین خواهد کرد. *

حزب باید بعنوان يك حزب آماده و توانا برای کسب قدرت سیاسی در میان بخش هر چه وسیعتری از مردم شناخته شود.

۹- حزب ما پرچمدار و نماینده اعتراض و نه گفتن کارگران و زنان و جوانان به جمهوری اسلامی است. تمیق این نه و رادیکالیزه کردن مخالفت و اعتراض مردم به رژیم و نظام سیاسی اقتصادی حاکم در ایران، امری که جزئی از فعالیت همیشگی حزب کمونیست کارگری بوده است، امروز بیش از پیش به یک وظیفه مبرم و عاجل حزب ما تبدیل میشود. حزب کمونیست کارگری تضمین کننده رادیکالیسم، پیگیری و سازش ناپذیری جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن نظام سرمایه داری در ایران است. یک شاخص پیشروی و اعتدالی این جنبش طرح و توده گیر شدن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "آزادی، برابری، حکومت کارگری"، و "برقرار باد جمهوری سوسیالیستی" بعنوان شعارهای اصلی و محوری در میان بخش هر چه وسیعتری از مردم و در تظاهراتها و اعتراضات کارگران، زنان و جوانان است.

۱۰- يك شیوه تحریف و به شکست کشاندن جنبش انقلابی مردم مطرح شدن سناریوهای مختلف تغییر و اصلاح رژیم، چهره و شخصیت سازینها و کلا ایستگاهها و موانع مختلفی است که نیروهای ضد انقلاب و مشخصا دولتها و نهادهای غربی بهمراهی و کمک اپوزیسیون راست و نیروهای ملی - اسلامی در برابر جنبش انقلابی مردم قرار میدهند. افشا و خنثی ساختن این طرحها و تلاشهای نیروهای ضد انقلاب پیش شرط پیشروی مبارزات انقلابی مردم و به پیروزی رسیدن انقلاب است. این يك وجه تعطیل ناپذیر از مبارزه حزب ما بعنوان رهبر و سازمانده انقلاب است.

۱۱- حزب ما در عین مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی

همین نوع، اپوزیسیون راست، و دولتهای غربی (آمریکا و اروپا) تلاش خواهند کرد تحت لوای تغییر رژیم از بالا، با پرچم فرم و تغییر تدریجی و مسالمت آمیز رژیم، و حتی به اسم انقلاب، در برابر جنبش انقلابی مردم بایستند، و در برابر آن سد و مانع ایجاد کنند. وجه مشترک این نیروها ضدیت با انقلاب و بخصوص هراس از قدرت گیری چپ در شرایط انقلابی است.

۷- حزب کمونیست کارگری در رادیکالیزه کردن و به چپ سوق دادن فضای سیاسی در ایران نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است. ورشکستگی پروژه دو خرداد، بی اعتباری آلترناتیو اپوزیسیون راست و سیاستهای نظیر رفراندوم، و خنثی شدن تمهیدات غرب برای کنار آمدن با جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر فراگیر شدن شعارها و خواستههای نظیر سکولاریسم، لغو آپارتاید جنسی، آزادی و برابری، لغو مجازات اعدام و خواست آزادیهای بیقید و شرط، و شعارهای رادیکال دیگری که شاهد طرح و مقبولیت وسیع آنها در جامعه هستیم، بدون حضور و فعالیت گسترده حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی ایران قابل تثبیت کرد و از آن فراتر رفت.

رشد جنبش سرنگونی و انقلابی مردم به سطح کنونی خود زمینه مساعدی برای پیشرویهای بیشتر حزب و گسترش نفوذ و قدرت آن در جامعه و در جنبش انقلابی مردم بوجود می آورد. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا به استقبال این شرایط می رود و بر مبنای این زمینه اجتماعی، سازماندهی و رهبری انقلاب را در دستور خود قرار میدهد.

۸- سرنگونی جمهوری اسلامی بقدت انقلاب مردم و استقرار جمهوری سوسیالیستی، پیش از هر چیز مستلزم آنست که حزب کمونیست کارگری موقعیت خود را بعنوان رهبر و سخنگوی انقلاب تثبیت کند. تحقق این رهبری پیش شرط پیروزی انقلاب آتی در ایران و برقراری نظام سوسیالیستی است.

۴- دولتهای غربی، آمریکا و اتحاد اروپا، در برخورد به رژیم اسلامی و کلا وضعیت سیاسی در ایران يك سیاست پراگماتیستی را دنبال میکنند. هدف آنان در کوتاه مدت اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای رام کردن و منطبق کردن آن با سیاستهای غرب در منطقه و مشخصا در عراق و در برخورد به مساله فلسطین است. در دراز مدت آنان خواهان تعدیل و تغییر رژیم اسلامی و نهایتا جانشین ساختن آن با يك حکومت مطلوب خود هستند. ممانعت از گسترش مبارزه انقلابی مردم و تحریف و متوقف کردن این مبارزات، و حفظ و مصون داشتن نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داری در ایران یکی از اهداف این نوع تغییر و استحاله است. این فاکتور مقابله با انقلاب به موازات رشد مبارزات انقلابی مردم، جای بارزتری در سیاستهای غرب نسبت به رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- با گسترش جنبش سرنگونی و نزدیک شدن به انقلاب، موقعیت سیاسی نیروهای اپوزیسیون و دول و نهادها و نیروهای سیاسی غربی در قبال جمهوری اسلامی، دیگر نه تنها بر مبنای سرنگونی طلبی بلکه اساسا بر مبنای مواضعشان در قبال جنبش انقلابی مردم مشخص میشود. با رشد جنبش انقلابی مردم علیه رژیم، حتی بخشهایی از خود رژیم سرنگونی طلب خواهند شد. در این شرایط صفتبندی دیگر نه بین سرنگونی طلبان و "اصلاح طلبان"، بلکه بین طرفداران انقلاب و مخالفین آن، بین دو اردوی انقلاب و ضد انقلاب، شکل میگیرد و تعیین کننده میشود. امروز انقلاب و برخورد به جنبش انقلابی مشخصی که در حال شکل گیری است يك عامل اصلی در تعیین مرز بین راست و چپ جامعه و در صحنه سیاست ایران است.

۶- با رشد جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم که رژیم اسلامی و نیروهای آشکارا مدافع آن را هدف مستقیم خود قرار داده است، نیروهای اپوزیسیون دو خردادی و یا اصلاح طلبان کمتر آبروباخته از

۱- حکومت اسلامی با بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیقی مواجه است. این بحران مزمن، که رژیم بخاطر هویت اسلامی قادر به حل و تخفیف آن نیست، زمینه ساز يك جنبش عظیم سرنگونی طلبانه است که روزبروز بیشتر گسترش و تعمیق پیدا میکند و رادیکالیزه میشود. امروز این جنبش هر نوع محمل و پوششی را بکنار گذاشته و با هویت و خواستها و شعارهای رادیکال خود به میدان آمده است. اکنون مردم در اعتراضات و تظاهرات خود صریحا خواست سرنگونی رژیم را مطرح میکنند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به شعار اصلی مبارزات مردم تبدیل شده است. این شرایط بیش از هر زمان دیگر شکل گیری يك انقلاب عظیم توده ای را در چشم انداز قرار میدهد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدت انقلابی مردم محتمل ترین شکل برکناری رژیم و نظام حاکم بر ایران است.

۲- پروژه دو خرداد و کلا تغییر و استحاله رژیم در هر شکلی به بن بست رسیده است. این پروژه حتی بعنوان پوشش و محملی برای طرح اعتراضات مردم نفوذ خود را از دست داده است و در صحنه سیاسی ایران حتی قادر به وقت خریدن هر چند موقت و کوتاه مدت برای رژیم نیست. اساسا جنبش ملی-اسلامی، که دو خرداد تنها يك شکل بروز آنست، با رشد جنبش انقلابی مردم و به پیروزی رسیدن آن، به پایان حیات سیاسی خود میرسد.

۳- باز شدن افق انقلاب، چشم انداز اپوزیسیون راست برای خریدن بقدت از طریق کودتا و یا بند و بست از بالا را تیره کرده است. سیاست رفراندوم و نافرمانی مدنی، که اساسا پوششی برای مقابله با جنبش انقلابی مردم بود، عملا و در نتیجه رشد جنبش سرنگونی بی اعتبار شده و کارآئی خود را از دست داده است. نیروهای اپوزیسیون راست اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و یا گروههای بینابینی دیگر، با رشد و رادیکالیزه شدن انقلاب علنا در برابر آن قرار خواهند گرفت.

مبانی استراتژی و رؤس وظایف حزب برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی مصوب کنگره پنجم به اتفاق آرا

۱- محتملترین و مطلوبترین راه بقدرت رسیدن حزب، کسب قدرت سیاسی از طریق سازماندهی و رهبری انقلاب علیه جمهوری اسلامی است. حضور و نفوذ حزب کمونیست کارگری در ایران در جریان جنبش انقلابی که در ایران در جریان است به این انقلاب خصلتی چپ و سوسیالیستی میدهد. این انقلاب تنها میتواند با برقراری جمهوری سوسیالیستی به پیروزی برسد. سازماندهی و رهبری انقلابی که بر علیه جمهوری اسلامی شکل میگیرد، در محور استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی قرار دارد.

۲- هدف فوری حزب کمونیست کارگری تصرف قدرت سیاسی و استقرار جمهوری سوسیالیستی است. مبارزه ما برای سرنگونی حکومت اسلامی از مبارزه برای استقرار جمهوری سوسیالیستی جدا نیست. هر نوع سناریو دیگری نظیر "حکومت موقت" و یا "قدرت دوگانه" و کلا هر نوع حالت دیگری که ممکن است بسته به شرایط پیچیده و متنوع در سیر مبارزه ما برای استقرار جمهوری سوسیالیستی رخ بدهد، نباید حتی بعنوان یک هدف مرحله ای در فعالیتها و تبلیغات ما جانی داشته باشد. شعار جمهوری سوسیالیستی و حکومت کارگری تنها هدف و شعار حزب در رابطه با قدرت سیاسی است.

۳- حزب کمونیست کارگری در مقابل هر نوع سناریویی که ممکن است به برکناری حکومت اسلامی بیانجامد، قاطعانه برای ادامه انقلاب و به میدان کشیدن طبقه کارگر و مردم آزادخواه در جهت تصرف قدرت و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب باید در هر شرایطی با تمام قوا مبلغ و اشاعه دهنده تصرف تمام قدرت بوسیله حزب و استقرار جمهوری سوسیالیستی باشد.

در هر شرایطی پرچمدار انقلاب و عامل رادیکالیزه کردن و تعمیق نه مردم در برابر کل نظام موجود، و علیه حکومت اسلامی و یا آلترناتیوهای بورژوازی جانشین جمهوری اسلامی باشد.

۴- تأمین و اعمال رهبری حزب مستلزم درگیری و دخالتگری پیگیر و مستمر حزب، از رهبری تا کادرها و شخصیتها و کمیته ها و حوزه ها و شبکه های حزبی، در رویدادها و تحولات سیاسی و شکل دهی به این رویدادها و تحولات در دوسطح است: الف) در ابعاد سراسری برای تأمین رهبری حزب بر کل جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی و نهایتاً سازماندهی و رهبری انقلاب.

ب) در سطح محلی برای تأمین رهبری اعتراضات و مبارزات جاری.

۴. الف) رهبری سراسری انقلاب تأمین این امر اساساً مستلزم دخالت مستقیم رهبری حزب است. وظایفی که در این رابطه بعهده رهبری قرار دارد در مباحث منصور حکمت تحت عنوان "حزب و قدرت سیاسی"، "حزب و جامعه"، بحث "جنبش سلبی و اثباتی" و "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود"، قطعنامه های کنگره ۳ و بطور مشخص تر در قطعنامه های "حزب و چشم انداز انقلاب"، و "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" مصوب کنگره ۴ توضیح داده شده است. این اسناد راه تأمین رهبری حزب در انقلاب و وظایف رهبری حزب در این رابطه را مشخص میکند. رؤس این وظایف بقرار زیرست:

* معرفی و شناساندن حزب در سطح جامعه بعنوان یک حزب مدعی قدرت سیاسی و قادر به تصرف و حفظ قدرت. حزب باید در یک سطح اجتماعی از جانب طبقه کارگر و چپ جامعه بعنوان تنها آلترناتیو حکومتی مطلوب و یک نیروی قادر به تصرف و حفظ قدرت سیاسی شناخته و انتخاب شود.

* قابل دسترس تر کردن حزب برای ایجاد ارتباط وسیعتر با کارگران و توده مردم و تسهیل عضویت در حزب و فعالیت در آن برای کارگران و

بخش هر چه وسیعتری از مردم. * استفاده از فرصتها و نقاط عطف در تحولات سیاسی، و کوشش برای با استقبال رفتن و ایجاد این فرصتها، با هدف معرفی کردن حزب در یک سطح وسیع در جامعه و عینین و تداعی کردن حزب با این تحولات.

* ظاهر شدن بعنوان رهبر جنبش رادیکال و انقلابی مردم و سخنگوی انقلاب. نمایندگی کردن جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم در مقابل حکومت اسلامی، غرب و سایر نیروهای اپوزیسیون. افشای نیروهای ضد انقلاب و برخورد به نیروهای اپوزیسیون رژیم بر مبنای دوری و نزدیکیشان به انقلاب و امر رهائی مردم و مستقل از هر اختلافی که ممکن است با جمهوری اسلامی و یا با یکدیگر داشته باشند، در کنار نقد همیشگی و طبقاتی ما بر این نیروها، تبدیل شدن حزب به نماینده و سخنگوی خواستههای رادیکال و انقلابی مردم بویژه کارگران، زنان و جوانان در برابر جمهوری اسلامی و کل نیروهای اردوگاه مخالف انقلاب.

* تلاش روزمره برای جدا کردن مردم از آلترناتیوها و خط مشی های بورژوائی و سوق دادن مردم به موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری، تلاش برای توده گیر کردن هرچه بیشتر شعارها و مطالبات اساسی حزب.

* نمایندگی کردن نه مردم به رژیم و کل نظام موجود و تعمیق و رادیکالیزه کردن نقد و اعتراض مردم به حکومت و مذهب و کلیت اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود.

* طرح و تبلیغ و معرفی وسیع جمهوری سوسیالیستی بعنوان آلترناتیو حکومتی حزب. تبلیغ وسیع شوراها بعنوان ارکان جمهوری سوسیالیستی. حزب باید با شوراها و جنبش شورائی و اعمال اراده و حکومت مستقیم و بلاواسطه خود مردم تداعی شود.

* کسب آمادگی برای دخالت سریع سیاسی و نظامی حزب در شرایط تضعیف حکومت و یا

برکناری و فروپاشی آن بویژه در کردستان. کسب آمادگی برای انتقال بخشی از رهبری حزب به داخل در شرایط مناسب.

* دادن طرحها و نقشه عملیهای تشکیلاتی مشخص برای ایجاد نهادها و سازمانهای توده ای موقت و پایدار، و در دستور قرار دادن اقدامات سریع برای اجرای این نقشه عملیها متناسب با شرایط و توازن قوا در هر مقطع و مرحله از مبارزه.

* به کار گرفتن وسیع ارگانهای تبلیغی و مدیای حزبی برای هدایت و سازماندهی جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی.

۴. ب) رهبری محلی مبارزات تأمین رهبری انقلاب مستلزم دخالت و درگیری عملی حزب در اعتراضات و مبارزات و کمپینها و جنبشهای جاری نیز هست، برای انجام این وظیفه کل ماشین حزبی در خارج و در داخل کشور باید بسیج و درگیر شود. اساس فعالیت حزب در این جهت در مبحث حزب و جامعه منصور حکمت و قطعنامه "ابراز وجود اجتماعی فعالین چپ و رهبران عملی" مصوب پلنوم بیستم مشخص شده است.

رؤس اقدامات و وظایف حزب در این جهت بقرار زیرست:

* تبدیل حزب به سازمان دربرگیرنده رهبران عملی در جنبش کارگری و مبارزات اقشار دیگر مردم بویژه زنان و جوانان.

* هویت علنی و اجتماعی بخشیدن به فعالین و رهبران عملی چپ و کمونیست در مبارزات و اعتراضات جاری کارگری، مبارزات زنان و جوانان، و سایر بخشهای معترض جامعه.

* همبسته و متحد ساختن مبارزات جاری کارگران. سازماندهی حمایت متقابل بخشهای مختلف طبقه کارگر از مبارزات یکدیگر و از مبارزات اقشار دیگر مردم به شیوه های علنی.

* سازماندهی کمپینها و نهادها و تشکلهای مختلف و متعدد حول مسائل مختلف در جنبش

کارگری و در مبارزات جوانان و زنان و سایر اقشار مردم.

* تأمین رهبری حزب بر مبارزات جاری کارگران و جوانان و زنان و سایر جنبشهای اعتراضی با اتکا به حوزه ها و شبکه های حزبی و فعالین و رهبران عملی در این جنبشها.

* تلاش برای تشکیل هر چه گسترده تر مجمع عمومی و انواع نهادها و تشکلهای علنی دیگر چه به شکل موقت و حول مطالبات خاص و چه به شکل پایدار، در کارخانه ها و سایر محیطهای کار و در دانشگاهها و محلات و در میان زنان و جوانان و سایر اقشار معترض به نسبت توازن قوا و شرایط مشخص مبارزه در هر مقطع.

* ایجاد سازمان حزبی در داخل کشور. سازماندهی حوزه ها و شبکه ها و کمیته های شهری و منطقه ای و فابریکی هر جا ممکن بود.

* بسیج و به میدان آوردن بخش رهبری وسیعتری از کارگران بر اساس شعارها و رهنمودهای مشخص حزب در هر مقطع و با اتکا بر فعالیت رهبران عملی و محلی حزب. بسیج جوانان، زنان، سکولاریست ها و دیگر بخشهای معترض جامعه حول سیاست های حزب.

۵- پیشبرد پیگیر وظایف فوق پیش شرط تبدیل حزب به یک نیروی پر نفوذ و قدرتمند سیاسی و اجتماعی است. به نحوی که حتی اگر به هر دلیل بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی حزب بقدرت نرسد، یک فاکتور قوی و غیر قابل حذف در تحولات سیاسی و در معادله قدرت بحساب بیاید. پیشروی حزب بر مبنای این استراتژی، مطلوبترین و کم مشقت ترین راه برای سرنگونی حکومت اسلامی، تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب و تحقق جمهوری سوسیالیستی و تأمین آزادی و برابری و رفاه در ایران است.

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست

کارگری را بخوانید!

به حزب کمونیست

کارگری ایران

پیوندید!

بیانیه تشکیل فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری"

- فراکسیون تلاش میکند که ترجیحا هر سیاست و پروژه اش را در ارگانهای منتخب رهبری حزب تصویب کرده و از آن طریق به پیش ببرد.

- این فراکسیونی در چهارچوب ساختارها و موازین قانونی و مصوب نشستهای عالی حزب کمونیست کارگری است و اعضای فراکسیون موظفند که نماینده و پرچمدار تمام عیار تحزب کمونیستی و استحکام تشکیلاتی حزب باشند.

- حزب باید متحد باشد. ما با اعلام فراکسیون از ارگانهای اجرایی-سیاسی حزب، مانند هیئت دبیران استعفا میدهیم تا بیرون این نهادها به تلاشهایمان در درون حزب و جامعه ادامه دهیم.

- و بالاخره تاکید اکید این نکته لازم است که اعلام این فراکسیون به معنی مقدمه ای برای انشعاب و تشکیل يك حزب جدید نیست. حزب کمونیست کارگری حزب ماست و تحت هر شرایطی از پرچم انقلابی و کمونیستی و موجودیت آن دفاع میکنیم. اعلام این فراکسیون تلاشی برای ایجاد تحرك و گسترش پراتیک انقلابی و کمونیستی در حزب و جنبش کمونیسم کارگری و تلاش برای فائق آمدن به معضلات کنونی و انجام وظایف خطیر و فوری حزب کمونیست کارگری است.

زنده باد حزب کمونیست کارگری
زنده باد منصور حکمت
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
هما ارجمند، علی جوادی، سیاوش دانشور،
سهراب رضائیلی، آذر ماجدی

(اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری)

۱۴ دسامبر ۲۰۰۶

فراکسیون این اهداف را در حزب کمونیست کارگری دنبال خواهیم کرد.

ما آگاهیم که دستیابی به این اهداف به يك تلاش هرکولی و بیشترین اتحاد و انسجام صفوف کمونیسم کارگری نیازمند است. ما به سهم خود تلاش میکنیم این اتحاد و انسجام را با اتکا به سیاستها و پراتیک کمونیستی و انقلابی ایجاد کنیم. ما سایر اعضای رهبری، کادرها و فعالین این جنبش را فرامیخوانیم که برای ایفای این نقش تاریخی به ما بپیوندند!

تاکید چند نکته بديهی ضروری است:

- فراکسیون تلاشی است برای پرداختن و پیشبرد وظایف و مباحث گرهی سیاسی و استراتژیک از يك کانال متمدانه، حزبی، اصولی، رقیقانه و علنی. ما از هرگونه تنش غیر سیاسی و مخرب به حال اتحاد و انسجام حزب اجتناب میکنیم و در چنین تنشهایی درگیر نخواهیم شد.

- فراکسیون هیچ اختلاف سیاسی اصولی، برنامه ای و استراتژیک با اهداف اعلام شده کمونیسم کارگری مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری فوری سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی ندارد. فراکسیون به کلیه قطعنامه های سیاسی مصوب تائونی حزب پایبند است. در عین حال تدقیق سیاستهای اعلام شده حزب را در شرایط متحول امروز و ترجمه پراتیکی آن را امر و وظیفه خود میدانند.

کمونیسم کارگری" تبدیل پلاتفرم "بسوی حزب رهبر انقلاب" به پلاتفرم رهبری حزب کمونیست کارگری و ایجاد آرایش سازمانی و تشکیلاتی متناسب بمنظور پاسخگویی به این ضروریات در رهبری حزب است. فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری" تلاش میکند کلیه نیروهای این جنبش را که به اهداف فوری سیاسی و برنامه ای اعلام شده کمونیسم کارگری متعهد اند، بسیج و متشکل و متحد کند.

حزب کمونیست کارگری باید به "حزب رهبر" و "حزب سازمانده" انقلاب کارگری در تحولات حاضر تبدیل شود. ما میخواهیم که رهبری حزب بر اساس تزهای "حزب و قدرت سیاسی"، "حزب و جامعه"، "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود؟"، و مباحث "سلبی-اثباتی" منصور حکمت، استراتژی، اولویتها، سیاستها و مشغله های خود را تنظیم کند. ما خواهان فائق آمدن بر رکود و فقدان تلاش های نقشه مند حزب در شرایط خطیر حاضر هستیم. نمیتوان با دنباله روی از حوادث به حزب سازمانده و رهبر انقلاب کارگری تبدیل شد. باید چنین حزبی را ساخت. ما باید به يك حزب وسیع سیاسی و اجتماعی مارکسیستی تبدیل شویم که پرچم انقلاب اکتبر دیگری را در قلب خاورمیانه به يك "خطر" واقعی و يك احتمال واقعی در اذهان میلیونی مردم جهان تبدیل کند. هر زمان که ما به این اهداف نائل آئیم این فراکسیون را منحل خواهیم کرد. اما تا آنزمان بصورت

نمیشود. در حال حاضر دو آلترناتیو، دو افق در مقابل جامعه قرار دارد: یا اردوی چپ تحت پرچم انسانی و آزادیخواهانه کمونیسم کارگری و حزیش قادر میشود رهبری يك تحول آزادیبخش در جامعه را تامین کند و به آرزوهای دیرینه نسلهای متممادی با سازماندهی يك انقلاب کارگری و سوسیالیستی جامه عمل بپوشاند و یا اردوی راست و قوم پرستی و میلیتاریسم و دستجات تروریست اسلامی جامعه را به نابودی و تباهی خواهند کشاند.

در چنین شرایطی تامین نیروی رهبری کننده و سازمانده انقلاب اجتماعی اصلی ترین وظیفه ای است که در مقابل حزب ما قرار دارد. رهبری کمونیستی باید خود را در تحولات جامعه تثبیت کند. پیروزی کمونیسم کارگری در گرو رفع فوری این کمبود و تامین همه جانبه رهبری تحول سیاسی جامعه و بردن حزب به قلب اعتراض جامعه و در راس جدالهای تعیین کننده سیاسی است. اما در چنین شرایطی حزب کمونیست کارگری دچار رخوت و رکود شده و تاکنون نتوانسته است به این وظیفه اصلی و تاریخی خود - علیرغم تلاشهای ما - پاسخگو باشد.

از این رو ما امضا کنندگان این اطلاعیه اعلام موجودیت فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری" را اعلام میکنیم و قاطعانه تلاش خواهیم کرد تا به این ضرورت و نیاز حیاتی جامعه و انقلاب کارگری پاسخ گوئیم. هدف فراکسیون "اتحاد

جامعه ایران در آستانه يك تحول عظیم اجتماعی قرار گرفته است. علیرغم افت و خیزهای سیاسی، امر سرنگونی رژیم اسلامی همچنان در دستور روز جامعه قرار داشته و مردم مترصد فرصت مناسب برای اجرای آن هستند. رژیم اسلامی در بحران همه جانبه و تشتت سیاسی عمیقی دست و پا میزند. ایستگاه هائی که کمپ راست در مقابل اعتراض و مبارزه کارگران و مردم گذاشته است تاکنون یکی پس از دیگری کنار زده شده اند. کل جریانات راست در تشتت و بحران بسر میبرند در این دوران يك فرصت تاریخی برای دخالتگری چپ و کمونیسم در تعیین سرنوشت جامعه در مقیاس وسیع، بیش از هر زمان دیگر وجود دارد. ایجاد این موقعیت تاریخی مدیون تلاشهای تائونی اردوی کمونیسم و آزادیخواهی است. حضور قدرتمند پرچم "نه به کلیت رژیم اسلامی و تثبیت خواست آزادی و برابری" و برافراشتن پرچم "سوسیالیسم یا بربریت بدون دخالتگری حزب کمونیست کارگری ممکن نبوده است.

اما علیرغم این پیشرویها و موقعیت تاریخی مناسب، علیرغم اینکه آلترناتیو چپ و کمونیسم از مقبولیت اجتماعی بالایی در جامعه برخوردار است، هنوز این مجموعه شرایط برای پیروزی قطعی يك انقلاب کارگری کافی نیست. در واقع هنوز امکان پذیری يك آینده بهتر با کمونیسم کارگری و اردوی چپ در اذهان توده های وسیع مردم تداغی

از صفحه ۳ در نقد فراکسیون

از نظر اساسنامه ای نقدی به تشکیل این فراکسیون ندارد. اما مشکل فراکسیون سیاسی است و نه حقوقی تشکیلاتی. و گره این مشکل بدست خود رفقا گشوده میشود. من یکبار دیگر از رفقا مصرانه میخواهم به فعالیت فراکسیونی خاتمه بدهند و سعی کنند بعنوان جزئی از رهبری نقطه نظرات خود را بر حزب حاکم کنند. اما مستقل از هر تصمیمی که رفقا بگیرند حزب بی گمان از این آزمون نیز محکم تر و منسجم تر بیرون خواهد آمد. این را رهبری و کادرهای این حزب تضمین میکنند. *

رهبری حزب قرار میگیرد. این راه تنها میتواند به تفرقه و جدائی منجر شود. فراکسیون ناگزیر است علیرغم هر نیتی که تشکیل دهندگانش داشته باشند مانند حزبی درون حزب عمل کند. کمپینها و نشریات و برنامه های رادیو تلویزیونی خود را داشته باشد و عملا در بهترین حالت بعنوان يك حزب موازی و به احتمال زیادتر بعنوان يك حزب منتقد و مخالف حزب کمونیست کارگری در جامعه ظاهر شود. حزب همچنان که در اطلاعیه اش اعلام کرده از انجا که موازین اساسنامه ای فعالیت فراکسیونی در حزب ما مدون نشده

فراکسیون به کجا میرود؟

فراکسیون بر خلاف نامی که بر آن گذاشته اند و ادعائی که میکنند اقدامی برای وحدت حزب نیست، دامن زدن به تفرقه و واگرائی در حزب است. فراکسیون ادعا میکند که در برابر رکود و رخوت زدگی که بقیه رهبری حزب عامل آن بوده و یا به آن لم داده است تشکیل شده است. یعنی از همین قدم اول کار خود را با يك ادعای تو خالی علیه بقیه رهبری شروع کرده است. این پرچم اتحاد نیست پرچم تفرقه است. فراکسیون ناگزیر است بر اساس این خط "ما فعال هستیم و بقیه خموده" فعالیت کند و لذا خواه ناخواه در برابر بقیه

فرصت این آزمون و خطاها را میدهد. يك حزب واحد نمیتواند دو سیاست عملی و دو نوع رهبری و دو نوع تبلیغات داشته باشد. این نسخه ای برای متفرق کردن کارگران است و نه متحد کردن آنان. حزب یعنی سیاستها و قطعنامه ها و اسناد مصوبه اش و این مصوبات را رای اکثریت تعیین میکند. کسی که این بدیهیت را نپذیرد پایه ای ترین اصل حزبی و کلا هر نوع فعالیت جمعی را زیر پا گذاشته است.

استالینیست است، دنباله رو رهبری و بی اراده است، اگر به کسی رای نمیدهد دارد حذف میکند و اگر با کسی موافق است دارد مجبیز میگوید و...! داستان کهنه و آشنائی است. نمیتوانند برقصند میگویند زمین کج است. اگر اکثریت نظری را نپذیرد تقصیر همه چیز هست بجز غلط بودن آن نظر! میخواهند بروند با پراتیک کردن نظراتی که در حزب رای نیابوده حقانیتشان را ثابت کنند. گوئی جامعه آزمایشگاه است و تحولات سیاسی و مبارزه زنده به کسی

بسوی حزب رهبر انقلاب

اولویتها و جهت گیری های عمومی

پلاتفرم پیشنهادی برای رهبری حزب کمونیست کارگری

حزب کمونیست کارگری باید به حزب رهبر انقلاب و حزبی سیاسی - اجتماعی تبدیل شود. حزب کمونیست کارگری باید متحد و منسجم تر بر موانع اش برای تبدیل به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران و استقرار فوری سوسیالیسم فائق آید. حزب کمونیست کارگری علیرغم همه پیشرویهایی تاکنونی اش از این تصویر از نظر سیاسی و تشکیلاتی و از منظر جامعه فاصله دارد. باید سرعت به این پدیده تبدیل شد. باید این شکاف را سریعاً پر کرد. اوضاع سرعت در حال تغییر است. حزب نیز باید سرعت با شرایط متحول جامعه جلو برود و آمادگی سیاسی و آرایش تشکیلاتی متناسب با ایندوره را کسب کند.

نکات و محورهای زیر رهبر کلّی پیشنهادی ما به پلنوم برای تبدیل شدن به پلاتفرم رهبری حزب کمونیست کارگری است. بخشی از این نکات پیش از این در پلاتفرمهای رهبری حزب وجود داشتند اما هنوز به فرجام نرسیده اند. ما همه کادراها و رهبری حزب را برای تحقق این اهداف فرا میخوانیم.

موجودیت حزبی

۱- تقویت و تحکیم وحدت و انسجام سیاسی و سازمانی رهبری حزب.

۲- تحکیم یک شالوده کادری قوی مارکسیست و کمونیست و مجهز به تمامی نقشه عمل حزب برای پیروزی کمونیسم در ایران.

۳- مدرنیزه کردن ساختارها و استاندارد کردن سوخت و ساز اجرایی حزب. شکل دادن به یک ماشین قدرتمند و یک موجودیت قوام گرفته و مدرن و گسترده حزبی.

۴- حل ماکرو معضلات مالی حزب. سامان دادن حرفه ای تامین منابع مالی برای حزب.

موقعیت عمومی

۱- تغییر موقعیت حزب کمونیست کارگری به یک حزب "سازمانده و رهبر" اعتراضات کارگری و

اجتماعی. ۲- تغییر خصلت و جهتگیری آگاهانه تر ارگانهای تبلیغاتی حزب و تبدیل شدن به یک جریان تکان دهنده، بیدار کننده، و به میدان کشاننده مردم بمشابه بخشی از پروپاگاندا سیاسی حول یک برنامه عمیقاً خلاف جریان توسط یک حزب عمیقاً رادیکال و افراطی مدعی قدرت سیاسی. تدوین طرحی جامع و ادغام شده برای کار متمرکز روی ایران که تمامی کمیته ها و ارگانهای حزب را در یک نقشه عمل واحد با هم مرتبط کند.

حزب در داخل کشور

۱- شکل دادن به یک ساختار و موجودیت قوی حزبی در شهرهای اصلی و مراکز عمده کارگری. فائق آمدن بر ضعف موجودیت سازمانی حزب در داخل کشور.

۲- گسترش و تحکیم روابط محلی و سراسری با محافل و شبکه های سوسیالیستی کارگران. رفع موانع نزدیکی و گرد آمدن فعالین و رهبران این صف به گرد حزب کمونیست کارگری.

۳- تامین حضور سازمان یافته و گسترده در جنبش آزادی زن. چهره ها و رهبران حزبی به رهبران جنبش آزادی زن.

۴- تبدیل سازمان جوانان کمونیست به ظرف اعتراضی جوانان رادیکال و سوسیالیست، تامین حضور گسترده و رهبری کننده این سازمان در اعتراضات توده ای دانشجویی.

۵- شکل دادن به شوراهای کارگری، تقویت خط رادیکال و کمونیستی در تشکلهای توده ای موجود. تلاش برای سازماندهی توده ای مردم در اشکال مختلف. سازماندهی جنبشی اجتماعی علیه فقر و بیکاری.

۶- سازماندهی نیروی مسلح در کردستان و تامین حضور مسلحانه حزب و ایجاد امکان گسترش نظامی سریع حزب در تحولات آتی در کردستان.

حزب در خارج کشور

۱- شکل دادن به یک موجودیت عظیم حزبی، با نفوذ و برد وسیع سیاسی، در خارج کشور. به میدان کشاندن و قرار گرفتن در راس اعتراضات مردم آزادیخواه در خارج کشور. تبدیل خارج کشور به صحنه پرشور اعتراض علیه رژیم اسلامی.

۲- سازماندهی قطب بشریت متملن، جبهه سوم، در تقابل با دو اردوگاه تروریستی جهان معاصر، در دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج

به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴ ۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به

شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

جدی و عظیمی که در سر راه حزب و کمونیسم کارگری قرار دارند، میتواند و باید برای ایفای نقش تاریخی کمونیسم این گام را بردارد.

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

دسامبر ۲۰۰۶

* یک معضل کلیدی حزب کمونیست کارگری فاصله میان موقعیت سیاسی و میزان محبوبیت و مقبولیت اجتماعی حزب و قدرت سازمانی و عملی حزب در جامعه اعم از داخل و یا خارج از کشور است. این یک معضل جدی و عامل نگرانی ما است. این معضل در عین حال بازتاب فاصله حرف و عمل است. حزب ما برای تبدیل سیاستها و استراتژی خود در عمل و جابجایی نیرو و تبدیل شدن به حزب رهبر انقلاب کارگری باید بر این معضل کلیدی فائق آید.*

برابری طلبانه در ایران، در حمایت از حل فوری مساله فلسطین و در شکل دادن به یک خاورمیانه سکولار، مدرن، و آزاد و برابر در نزدیکی با حزب کمونیست کارگری چپ عراق. ۳- تحکیم روابط گسترده با طبقه کارگر جهانی. ایجاد وسیعترین همبستگی طبقاتی متقابل میان کارگران ایران و سایر کشورها.

۴- گسترش ارتباط با نیروهای چپ و سوسیالیست در سطح بین المللی، دخالت فعال در مبارزه فکری و برافراشتن پرچم کمونیستی کارگری، شناسایی و معرفی کمونیسم کارگری و نظرات و آثار منصور حکمت.

حزب کمونیست کارگری باید بعنوان حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم پا به میدان بگذارد. این فرصت نباید از دست برود. حزب کمونیست کارگری، علیرغم موانع

اطلاعیه حزب در رابطه با تشکیل فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری"

پنج نفر از اعضای دفتر سیاسی، رفقا هما ارجمند، سیاوش دانشور، علی جواد، نسریین رضانعلی، و آذر ماجدی تشکیل فراکسیونی به اسم "اتحاد کمونیسم کارگری" را اعلام کرده اند. در مورد این فراکسیون نکات زیر را به اطلاع عموم میرسانیم:

۱- آنچه که بعنوان پلاتنفرم فراکسیون اعلام شده به هیچوجه مورد بحث و اختلاف در حزب نبوده است. بخشهای اصلی این پلاتنفرم جزو مصوبات حزب در کنگره های چهارم و پنجم حزب است. در خود پلاتنفرم نیز تصریح شده که "فراکسیون هیچ اختلاف سیاسی اصولی، برنامه ای و استراتژیک با اهداف اعلام شده کمونیسم کارگری مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی

و برقراری فوری سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی ندارد. فراکسیون به کلیه قطعنامه های سیاسی مصوب تاکنونی حزب پایبند است." نقشه عمل و رئوس وظایف حزب برای "رهبری و سازماندهی انقلاب" که بعنوان هدف فراکسیون اعلام شده به نحو مشروح و جامعی در قطعنامه های کنگره های حزبی و دفتر سیاسی تدوین و تصویب شده و حزب تا کنون بر مبنای این سیاستها پیشرویهایی چشمگیری در جامعه داشته است. تدقیق و تعیین و در دستور قرار دادن هر نوع نقشه عمل و پلاتنفرمهای تاکتیکی مشخص تر نیز همیشه جزئی از مکانیسم فعالیت حزب بوده است. برای طرح، تصحیح و یا تدقیق این نقشه عملها و یا تعجیل

فراکسیون تشکیل دهند و از حزب انتظار داشته باشند که برسمیت شناخته شود و از حقوق ویژه فراکسیون حزبی برخوردار شوند. تعریف موازین و مقررات مربوط به تشکیل فراکسیون، شرایط برسمیت شناسی و تعیین حقوق آن باید بوسیله دفتر سیاسی تدوین و در پلنوم بعدی کمیته مرکزی حزب تصویب شود.

رهبری حزب این مساله را با رفقا در میان گذاشت، اما رفقا در اعلام فراکسیون تعجیل داشتند و حتی منتظر طرح مساله در جلسه هفته بعد دفتر سیاسی نشدند. فاصله مطلع شدن رهبری از تشکیل فراکسیون و اعلام علنی آن از يك هفته تجاوز نکرد. این نحوه اعلام فراکسیون به معنی بی اعتنائی به نظر حزب است و حزب این رفتار رفقا را به هیچوجه موجه نمی داند.

بنا به نکات فوق از نظر حزب تشکیل چنین فراکسیونی موضوعیت ندارد و حزب حقوق ویژه درون حزبی برای آن قائل نیست. در

عین حال از آنجا که هنوز موازین تشکیل فراکسیون در حزب تدوین و تصویب نشده است تشکیل این فراکسیون ناقض موازین اساسنامه ای نیست و از نظر حقوقی بلامانع است. موقعیت حقوقی فراکسیون بعد از تصویب موازین اساسنامه ای مربوط به تشکیل و فعالیت فراکسیون در پلنوم بعدی حزب تعیین خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری تجسم اتحاد کمونیسم کارگری است و تلاش خواهد کرد و امیدوار است رفقای تشکیل دهنده فراکسیون نیز به این نتیجه برسند که بهترین و موثرترین راه برای رسیدن به اهداف مشترکمان فعالیت از طریق ارگانها و مکانیسمهای تعریف شده حزبی است و به فعالیت تحت عنوان فراکسیون خاتمه دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، ۲ دیماه ۱۳۸۵

اولویتها و جهت گیریها

پلاتنفرمی برای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

مصوب پلنوم ۲۰ به اتفاق آرا

حمید تقوایی

مقدمه:

شرایط انقلابی و پرتحول جامعه حضور و فعالیت و دخالتگری گسترده حزب در تحولات جاری را به يك امر عاجل و حیاتی تبدیل کرده است. انقلابی که در ایران در حال شکل گرفتن است میتواند و باید با سرگونی جمهوری اسلامی و تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب کمونیست کارگری به پیروزی برسد. راه رسیدن به این پیروزی را باید گام بگام هموار کرد و پلاتنفرم حاضر این گامهای عملی را تعیین و تعریف میکند. تحقق پیگیری همه جانبه این وظایف این وظایف راه پیروزی حزب ما و انقلاب آتی در ایران است.

پلاتنفرم رهبری حزب: ۱- تقویت موقعیت حزب به عنوان نماینده و سخنگو و نیروی سازماندهنده و رهبری کننده جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی بر مبنای قطعنامه ها و بیانیه های مصوب کنگره چهارم و اسناد کنگره های دوم و سوم حزب.

۲- گسترش و تقویت حضور سیاسی، تبلیغی و سازمانی حزب در داخل کشور. تدوین نقشه عملهای معین برای کمیته داخل کشور با توجه به موقعیت امروزی حزب و توازن قوای کنونی

۳- پیگیری، پیشروی بیشتر، و اجرای هر چه جامع تر سیاستهای مختلف منتج از مبحث حزب و جامعه: شفافیت و گشایش حزب بر روی جامعه، حضور هر چه وسیعتر شخصیتها و چهره های شناخته شده کمونیست در صحنه مبارزه اجتماعی، رشد دخالتگری حزب در کلیه کشمکشها و جدلهای سیاسی بر سرآزادی و برابری و رفاه اجتماعی.

قد علم کردن حزب به مشابه يك نیروی رهبر کل جامعه، حضور حزب در نبرد هر روزه بر سر افکار و کردار سیاسی توده های وسیع مردم. سازماندهی و شکل و هویت اجتماعی دادن به گرایش رادیکال سوسیالیستی(رهبران عملی، کمپینها و تشکلهای توده ای) در

جنبش کارگری و در مبارزات بخشهای دیگر جامعه.

۴- ایجاد کانیمهای سیاسی و تشکیلاتی برای تقویت اتحاد و انسجام حزب. حفظ و تقویت اتحاد حزب يك هدف درخود رهبری است.

۵- تبلیغ و توده گیر کردن شعار جمهوری سوسیالیستی بعنوان حکومتی که باید با سرنگونی رژیم اسلامی برقرار شود.

۶- تقویت و گسترش نفوذ و حضور حزب بعنوان پرچمدار و سخنگوی طبقه کارگر و برنامه مطالبات کارگری در صحنه مبارزات جاری ایران.

۷- اجرای پیگیرانه پروژه تلویزیون و رادیوی ۲۴ ساعته و تضمین ادامه کاری آن.

۸- تقویت وضعیت مالی حزب از طریق به اجرا گذاشتن و پیگیری طرح مرکزی کسب در آمد، و اجرای پروژه های مختلف مالی در خارج کشور.

۹- تضمین حضور قدرتمند

حزب و تقویت و گسترش فعالیتهاى حزب در عرصه های مختلف مبارزه در خارج کشور. تقویت حزبیت و مناسبات و روابط و سنتهای حزبی. تبدیل و تثبیت کار روتین حزبی به يك رکن تعطیل ناپذیر فعالیت حزبی در خارج کشور. اجرا و پیگیری اسناد مربوط به مدرنیزه کردن ساختارها و متابولیسم اداری و اجرایی حزب و مقررات و روشهای تعریف شده و لازم الاجرا در قلمروهای مختلف کار تشکیلاتی. ایجاد يك ماشین قدرتمند و يك موجودیت قوام گرفته حزبی.

۱۰- تدوین و اجرای نقشه عملهای تشکیلاتی، سیاسی و نظامی در رابطه با فعالیتهاى حزب در کردستان. گسترش بیشتر فعالیت سیاسی و تشکیلاتی و تامین حضور مسلحانه قوی و ایجاد پتانسیل گسترش نظامی سریع حزب در کردستان.

۱۱- شکل دادن به يك شالوده کادری قوی مارکسیست و مجرب در

حزب. ۱۲- تدوین و اجرای پیگیری برنامه آموزشی مارکسیستی در تشکیلاتهای حزبی بر مبنای متون کلاسیک و آثار منصور حکمت و تاریخچه نظری و عملی جنبش و حزب کمونیست کارگری.

۱۳- نزدیکی و همکاری بیشتر با حزب کمونیست کارگری عراق بویژه در رابطه با موقعیت خطیر و منحصر بفر این حزب در اوضاع پر تحول عراق.

۱۴- ایفای نقش حزب بعنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم در سطح بین المللی.

۱۵- دامن زدن به و حضور فعال در جنبش بین المللی علیه سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش از یکسو و علیه اسلام سیاسی از سوی دیگر بر مبنای اسناد "طلوع خونین نظم نوین جهانی" و مقالات "دنیا پس از ۱۱ سپتامبر" منصور حکمت.

۱۶- ایجاد روابط گسترده و محکم با بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی. تلاش برای ایجاد وسیعترین همستگی عملی متقابل میان کارگران ایران و سایر کشورها.

۱۷- انتشار منظم نشریه سیاسی-تئوریک "بسوی سوسیالیسم، دوره سوم". ۱۰ مارس ۲۰۰۴